

بازخوانی پرونده محاکمه دکتر لیندن بلات، اولین رئیس بانک ملی ایران

اکبر قاسملو

یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی که بعد از کاپیتولاسیون در محاکم ایران بررسی شد، محاکمه دکتر لیندن بلات، رئیس بانک ملی و پنج تن از همکاران آلمانی او به اتهام تهیه بیلان تقلبی و خیانت در امانت و جعل اسناد رسمی بود. با تأسیس بانک ملی و با اجازه مجلس، شش نفر شامل دکتر کورت لیندن بلات، هاین ریش روست، اتودکر، فردریش اشتفان، بوتوشای پلبش و گوستاو فوی بل از کشور آلمان برای اداره بانک استخدام شدند. این افراد با توجه به موقعیتی که داشتند، دست به سندسازی و تهیه بیلان تقلبی زدند. هدایت در کتاب *خاطرات و خطرات خود*، ماجرای چگونگی کشف تقلب و سوءاستفاده از بانک را این‌گونه بیان می‌کند.

«حسینقلی خان نواب، تخلفاتی در بانک کشف کرد، به عرض رسانید معلوم شد معاملات بدون وثیقه کافی انجام شده و خساراتی وارد آمده است. لیندن بلات رئیس بانک زیاد مقید به رعایت نظریات هیأت نظارت نبوده است و شاید متکی به تیمورتاش، در هر حال اختلاساتی مسلم شد. لیندن بلات به خیال گریز می‌باشد به بهانه مرض و معالجه با اجازه مسافرت می‌کند. فوگل نایب رئیس چاره را در فرار می‌بیند. شاه شخصاً به بانک رفته و طلای وثیقه را بازدید می‌کند، نقص نداشته است. فوگل [ناگهان] مفقوداً اثر می‌شود، آیرم در گاراژها معلوم می‌کند که دندان‌ساز آلمانی به دعوتی به بغداد رفته است. تفحص می‌کند، هیچ‌جا او را در اتومبیل نمی‌یابند. بعدها کاشف به عمل آمد که در صندوق پشت اتومبیل پنهان بوده است به این تدبیر از سرحد می‌گذرد، در بغداد معطل نشده، به بیروت می‌رود. حال هفتاد نفر آلمانی در بانک

مستخدمند. دولت فوگل را از حکومت شام می‌خواهد ناچار انتخاب می‌کند.^۱ بعد از خودکشی فوگل، لیندن بلات که احضار شده بود، با اجازه دولت آلمان به تهران می‌آید و با صدور قرار مجرمیت، محاکمه وی در سوم مرداد ۱۳۱۲ شروع می‌شود. پرونده این محاکمه که یکی از جنجالی‌ترین محاکمات دستگاه قضایی ایران می‌باشد، به طور کامل در اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضاییه موجود است و در ذیل به محاکمه دکتر لیندن بلات و دفاعیه‌های وکلای او و رأی صادر شده علیه او پرداخته می‌شود.

[شرح ماجرا]

«شرح قضیه آن است که در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۱۲، شرحی به امضاء هیئت مدیره بانک به پارک بدایت رسید که پس از کناره‌گیری دکتر لیندن بلات، رئیس سابق بانک از شغل خود، معلوم شد دکتر در زمان تصدی خود عملیاتی مرتکب شده که موجب اضرار بانک و قابل تعقیب جزایی است و بنابراین تقاضای تعقیب مشارالیه و صدور حکم بر جبران ضرر و زیان مالیه را می‌نمایند. رسیدگی رجوع به مستنطق شد و پس از تحقیقاتی مدعی‌العموم در تاریخ اول ۱ مرداد ۱۳۱۲ به اتهام خیانت در امانت و تهیبه بیلان تقلبی و معاونت در جعل و اسناد رسمی، طبق ماده ۱۹۷ بر دکتر لیندن بلات و به جرم شرکت و معاونت با دکتر لیندن بلات در ارتکاب جرائم مذکوره به سایر متهمین اقامه دعوی می‌نماید. شرح اتهامات و دلایل، اجمالاً از قرار ذیل است:

۱- در ۱۱ بهمن ۱۳۰۹، دکتر لیندن بلات به دارالانشاء (الف) که مأمور معاهدات محرمانه بوده است، دستور می‌دهد سه فقره چک، هر یک به مبلغ پنج هزار لیره و پنج فقره چک هر یک به مبلغ یک هزار لیره به حواله کرده، خود بانک تهیه کنند. چک را شخصاً گرفته و برای موازنه حساب یادداشتی به پاراف خود به مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ ریال می‌دهد. در اسفند ۱۳۰۹ که نرخ لیره به ۹۰ ریال رسیده، شش فقره از چک‌های مزبوره را که مجموع آن چهارده هزار لیره می‌شده است، به خود بانک به نرخ ۸۹ ریال فروخته که مبلغ آن می‌شود ۱۲۴۶۰۰۰ و از این مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ قیمت بیست هزار لیره اولی محسوب و بقیه آن که از ۶۴۰۰۰ ریال و شش هزار لیره بود، بر ضرر بانک تصاحب نموده و چون بر طبق ماده ۱۰ اساسنامه بانک اعضاء رئیس‌بانک، حق تجارت و معاملات بانکی به نفع خود ندارند، دو فقره هم قرارداد استخدامی دکتر لیندن بلات ریاست و مسئولیت بانک را به عهده مشارالیه محول کرده است. عمل لیندن بلات، خیانت در امانت محسوب و قابل تعقیب است و چون به موجب اظهارات فوی‌بل منشی دارالانشاء در صفحات ۵ و ۶ و ۷ معامله فروش بیست هزار لیره که در تاریخ ۱۱ بهمن به عمل آمده، برحسب امر ریاست در دفتر ثبت شده تا پس از فروش چهارده هزار لیره در تاریخ مؤخر در دفتر وارد شود و اعمال مزبوره برخلاف واقع بودند، اضرار بانک و نفع شخصی در دفاتر رسمی تجارتی بر او وارد شده، عمل معاونت در جعل و منطبق با ماده ۲۸ و ۱۰۳ قانون مجازات عمومی است.

۱. هدایت، مهدی‌قلی مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۴۴، ص ۳۲۱.

۲- در تاریخ دهم شهریور ۱۳۱۰، موقعی که نرخ رسمی لیره ۹۰ ریال بوده، ولی در بورس سیاه به ۱۱۵ و ۱۲۰ ریال خرید و فروش می‌شده، به دارالانشاء دستور می‌دهد که هشت فقره چک صادر کند از حسابی که [ناخوانا] بانک داشته به مبلغ ۹۶۰۰ لیره به نرخ ۸۹/۹۰ چک تسلیم ریاست می‌شود و در همان روز از چک‌های مزبوره ۳۹۰۰ لیره به نرخ ۱۱۶/۵ به علاوه $\frac{1}{4}$ درصد حق‌العمل و یک فقره ۴۰۰۰ لیره به نرخ ۱۱۷ ریال عیناً به بانک فروخته می‌شود و تفاوت قیمت آن که عبارت از ۶۰۴۴۶ ریال و یک هزار و هفتصد لیره بوده، یک فقره چک ۱۰۰۰ لیره لیندن بلات به حساب شخصی خود گذارده و یک فقره ۱۰۰۰ لیره به فوگل حواله داده.

۳- در تاریخ اول ژانویه ۱۹۳۱ فاست آلمانی را برای مدت سه سال به عنوان معاونت بانک به مبلغ ده هزار دلار حقوق سالیانه استخدام نمود. در ۱۸ آوریل همان سنه، بدون هیچ‌گونه علت و جهت فسخی ۴۰۰۰ لیره به فاست می‌دهد که در کنترات خود صرف‌نظر نماید، در صورتی که طبق ماده ۸ قرارداد استخدای، فرضاً که اختلافی بین اینها تولید می‌شد، می‌بایستی اختلاف به حکمیت حل شده باشد و چون مسلم است عمل با سوءنیت و به قصد اضرار بانک و برای آن بوده است که دکتر بتواند نظریات خود را به شرکت فوگل بدون معارض انجام دهد، عمل مشمول ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی است.

۴- تهیه بیان تقلبی است برای سال ۱۳۰۹- بدین ترتیب که مطابق اظهار مسیوشای بلیش و مادموال کلان برک معاون و منشی سرویس دارالانشاء (ب) بیان تقلبی ۳۰۹ در ۱۵ خرداد سید و ده تهیه و به مسیو فوگل که به واسطه غیبت لیندن بلات متصدی کارهای ریاست بوده تسلیم شده (لیندن بلات از ۲۹ فروردین ۳۱۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ در مرخصی و مسافرت بوده) مبلغ مطابق صورت موجود (۲۷۶۹۶۵۱۷/۰۵) می‌شده و حساب به نفع و ضرر آن (۴۴۰۸۰/۳۵) ریال بود در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ توسط مسیو ذکر رئیس سرویس مرکزی یادداشتی خطاب به دارالانشاء (ب) پاراف فوگل و روست را دارد رسیده که مبلغ (۴۴۹۲۹۳۰) جزء به نفع بانک به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۰۹ منظور شده. چون هشت قلم به شرح یادداشت به قسمت مال‌التجارهای موجود بانک در خارج بیفزائید. بعد بیان دیگری با تغییراتی که دستور داده شده، به مبلغ (۳۲۸۲۹۱۴۰۱۲۰) تهیه شده و در همان موقع یادداشت دیگری به همان مبلغ ۴۴۹۲۹۳۰ ریال خطاب به محاسبات نوشته شده که سه قلم به حساب منافع بانک در معاملات اسعاری و حق‌العمل منظور کنند و بعد بطلان [ناخوانا] محاسبات کل آقای اشتفان در ۱۹ خرداد ۱۳۱۰ به موجب مراسله‌ای که ضمیمه دوسیه است، تحویل فوگل داده به موجب اظهار اشتفان پس از ورود لیندن بلات، یادداشت خطاب به محاسبات را به او داده که پاراف نموده است و مبلغ اضافی به حساب نفع و ضرر شعبه شود و بین صاحبان سهام قسمت شده است.

توضیح آنکه دارالانشاء به متصدی معاملات [ناخوانا] بانک، کمپانی یاک آلمانی، قراردادی داشته که مقداری قالی که بانک خریده بود، حمل به آلمان و آمریکا کند و به فروش برساند. چون قالی‌های مزبور در اروپا فروخته نشده بود و قیمت قالی رو به تنزل رفته و از معاملات اسعاری متوجه شده بود، بانک خواسته است به این وسیله ضرری که از خرید قالی و معاملات اسعاری متوجه بانک شده، روپوشی نماید.

دستور توسط فوگل به دارالانشاء وارد شده و در موقعی که طرح بیلان تقدیم لیندن بلات شده که آن را تصویب و تقدیم هیئت مدیره بانک نموده و به علاوه یادداشتی که خطاب به محاسبات بوده و اشتفان به او داده پاراف کرده است؛ چون منافع موهومی در بیلان ۱۳۰۹ اضافه شده و به حساب نفع و ضرر وارد شده که بین صاحبان سهام تقسیم شود عمل انتسابی طبق فقره ۳ ماده ۹۲ قانون تجارت جرم بوده و قابل تعقیب است و چون تهیه بیلان تقلبی به وسیله یادداشت‌های خلاف واقع بوده که در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ خطاب شده که به تاریخ مقدم یعنی در ۲۹ اسفند ۱۳۱۰ در دفاتر برده شود و اضافه گردد و این عمل واقع شده، عمل مزبور جعل بوده و مرتکب جاعل [ناخوانا] و معاون در امر جعل نیز می‌باشد. بالاخص که به موجب ماده ۲۳ اساسنامه بانک مال التجاره باید به قیمت خرید در بیلان منظور شود.

۵- خرید طلا، در ۱۵ مهر ۱۳۱۰ ریاست بانک دستور شفاهی می‌دهد که دارالانشاء (الف) ۴۷۸۵ لیره کاغذ انگلیسی به مظنه ۹۰ ریال بخرد و در مقابل، نقود طلا تهیه کند که برای وزارت دربار ارسال شود. به موجب صورت حسابی که دارای پاراف لیندن بلات است، دارالانشاء در مقابل پول لیره‌های مذکوره ۷۶۵ لیره انگلیس طلا از قرار ۹۰ ریال و ۳۷۰ مارک طلا از قرار ۹۰ ریال و ۱۲۵ [ناخوانا] طلا از قرار ۷۳/۷۵ ریال و ۳۸۸۸ لیره ترک از قرار ۸۳ ریال می‌فروشد و چون تفاوت لیره‌های کاغذی با نقود طلا ۳۴۲۲۷۵ ریال بوده، یعنی قیمت نقود این مبلغ بیش از قیمت لیره‌های کاغذی بوده، این مبلغ را دارالانشاء از ریاست اخذ می‌کند و نیز یک ماه بعد برحسب دستور شفاهی ریاست دارالانشاء (الف) در مقابل خرید دو هزار و یکصد لیره چک حواله لندن به نقود طلا می‌فروشد و در این موقع نیز لیره کاغذ را به نرخ ۹۰ ریال می‌خرد. در صورت حسابی که راجع به معامله دومی است نیز پاراف دکتر لیندن بلات موجود است، در مقابل دو هزار و صد لیره، دو هزار و دویست و هفتاد و هشت لیره طلای ترک از قرار هر لیره ۸۳ ریال فروخته و با مراجعه به صورت حساب معامله اول معلوم می‌شود که در معامله دوم هر لیره کاغذ، عیناً به همان قیمت لیره طلای انگلیس محسوب شده است، زیرا در صورت حساب اول که تعداد لیره ترک ۸۳ ریال تقویم شده، عمل مخالف با ماده ۴ قرارداد استخدامی مشارالیه است که مصراً او را از حق {ناخوانا} و عملیات بانکی به نفع خود یا به نفع اشخاص ثالث ممنوع می‌دارد و همچنین مخالف با ماده ۱۰ اساس نامه بانک است که می‌نویسد اعضاء به هیئت مدیره نمی‌توانند به حساب خود یا حساب اشخاص دیگر تجارت کنند یا با سود بانکی اشتغال ورزند. بنا به مراتب دکتر کورت لیندن بلات فرزند ویلهلم ۴۸ ساله تبعه دولت آلمان رئیس بانک ملی توقیف به واسطه فقد کفیل مجرم و در حدود مواد ۲۸ و ۱۰۳ و ۲۴۱ قانون مجازات عمومی و ماده ۹۲ قانون تجارت براساس ماده ۱۹۷ اصول محاکمات جزایی مستحق تعقیب در دیوان جنایی است.

راجع به شرکاء و معاونین دکتر

در نتیجه تحقیقات مسلم است که جرائم انتسابی را با شرکت و معاونت اشخاص نموده و یا مستقیماً مثل فوگل و روست استفاده کرده‌اند. یا به وسیله فوق‌الذکر اضافه کار یا انجام، اشخاص مزبوره عبارتند از:

فوگل، فوی بل، روست، دکر، شای بلیش، اشتفان

فوگل - نه تنها در جرایم لیندن بلات شرکت نموده، شخصاً نیز مرتکب جرائمی به ضرر بانک شده، ولی

چون به موجب مراسله وزارت خارجه انتحار نموده، تعقیب جزایی موقوف می‌شود. روست- در قسمت خرید طلا، مبلغی لیره کاغذی بانک فروخته و در مقابل نقود طلا گرفته که مورد اعتراف شخص او و تصدیق لیندن بلات است. دفاع او این است که در آن موقع در ایران نبوده و فوگل برای او این معامله را نموده؛ اطلاعی از اینکه طلا مربوط به بانک است نداشته. سابقه خصوصیت با فوگل و شرکت مشارالیه در تهیه بیلان تقلبی، بی‌مورد بودن دفاع او را می‌رساند- قسمت دیگر مربوط به تهیه بیلان تقلبی است که ذیل یادداشت خطاب به دارالانشاء را پاراف کرده و در این مورد معاونت در جعل و شرکت در تهیه بیلان تقلبی است.

دکر- جرم دکر، شرکت در تهیه بیلان تقلبی است، به این معنی که یادداشت خطاب به محاسبات دارالانشاء را راجع به افزایش چهار میلیون و نیم ریال به شای بلیش و اشتفان داده و شای بلیش را وادار به ثبت ارقام موهوم مزبور نموده، معاون جرم و شریک جرم در قسمت تهیه بیلان تقلبی است.

فوی-بل- فوی بل، فرزند فردریش ۲۶ ساله او متهم است با اینکه معامله اسعاری مبلغ ۲۰۰۰۰ لیره را که در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۰۹ بوده به تاریخ نرخ معین در ۱۶ اسفند ۱۳۰۹ در دفاتر ثبت نمودند و نیز معاملات راجع به فروش طلا را هم در اواسط مهر و آبان ۱۳۱۰ بوده، به تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۱۰ منظور داشته و از این راه مرتکب جعل در دفاتر تجارتهی بانک که بر طبق قانون سند رسمی محسوب است، گردیده.

اشتفان- فرتیس اشتفان فرزند ژرف ۴۱ ساله تبعه آلمان به قید الزام متهم است که چهار میلیون و کسری ریال منافع موهومی در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ به موجب یادداشت در حساب آخر اسفند ۱۳۰۹ برده و در دفاتر ثبت کرده و از این رو در تنظیم بیلان تقلبی شرکت نموده و حتی خود آن را تنظیم کرده است. عمل مشمول ماده ۱۰۳ و ماده ۲۷ و ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی است.

شای بلیش- بوتوشای بلیش فرزند ادوارد ۴۱ ساله از او به قید الزام متهم است به اینکه مقدار چهار میلیون و کسری ریال به عنوان بیلان دارالانشاء ب به موجب یادداشتی که قبلاً اشاره شد، اضافه کرده و به تاریخ مقدم، وارد دفتر نموده. عمل منطبق با ماده ۱۰۳ قانون مجازات عمومی است.

محکمه جنایی طهران پس از وصول ادعانامه و احضار متهمین و تعیین و کلاء مدافع و اخطار دوازده روزه دائر به تقدیم اعتراضات و ایرادات در ۲۷ شهریور ۱۳۱۲ جلسه مقدماتی خود را تشکیل داده و چون نواقص در تحقیقات مشاهده نموده و ایراداتی شده که بعضی از و کلاء مدافع نموده‌اند، مربوط به ماهیت شناخته، دستور جلسه علنی داده‌اند و پس از رسیدگی با حضور مدعی‌العموم استیناف و متهمین و و کلاء مدافع آنها و آقای کاتوزیان وکیل بانک (مدعی خصوصی) و استماع آفرین دفاع متهمین، پس از تعیین مترجم و الزام مترجم در ترجمه اظهارات مطابق النعل بالنعل در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۱۲ رأی خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

[رای محکمه جنایی تهران]

وزارت عدلیه

مورخ ۲۳ مهر ۱۳۱۳

مرجع رسیدگی - دیوان عالی جنائی طهران

هیئت حاکمه - آقای آقا میرزا جعفرخان جوان رئیس - آقای دکتر جوادخان قاضی - آقای دکتر پرویز

خان کاظمی -

متهمین:

- ۱- دکتر کورت لیندن بلات پسر ویلهلم لیندن بلات ۴۸ ساله رئیس سابق بانک ملی.
- ۲- هاین ریش روست پسر یاکوب روت ۵۷ ساله عضو بانک ملی.
- ۳- اتودکر پسر کارل دکر ۳۸ ساله عضو بانک ملی.
- ۴- فرتیش اشتفان، ۴۱ ساله عضو بانک ملی.
- ۵- بوتوشای بلیش پسر ادوارد شای بلیش ۴۱ ساله عضو بانک ملی.
- ۶- گوستاو فوی بل پسر فردیش فوی بل ۲۷ ساله عضو بانک ملی - اهل و تبعه آلمان ساکن تهران. نوع جرم: تهیه بیلان تقلبی - خیانت در امانت - جعل در اسناد رسمی. تاریخ وقوع جرائم مذکور - سنوات ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ و محل وقوع آن طهران است. تفصیل اتهام - به شرحی است که در مقدمه رأی محکمه ذکر شده است. آقای شادمان مستنطق پاراف که بدایت طهران در تاریخ ۱۲/۴/۳۱ به استناد مواد ۱۰۳ و ۲۴۱ و ۲۷ و ۲۸ قانون مجازات عمومی و ماده ۹۲ قانون تجارت قرار مجرمیت متهمین را صادر نموده است. آقای گلشایان - مدعی العموم بدایت با استناد مواد فوق الذکر و ماده ۱۹۷ اصول محاکمات جزائی ادعایمانه بر علیه متهمین تنظیم و در حدود مواد مذکوره، تقاضای مجازات آن را از دیوان عالی جنائی نموده است. و کلاء مدافع که از طرف خود متهمین معین شده است: دکتر آقایان و مظفر میرزا فیروز و دکتر هرشوینس آلمانی و کلاء مدافع دکتر لیندن بلات. آقای شریعت زاده مشاور مدافع روست. آقای وکیل، وکیل مدافع دکر. آقای همراز وکیل مدافع اشتفان. آقای دکتر ملکی وکیل مدافع شای بلیش. آقای مقبل وکیل مدافع فوی بل. آقای میرزا نورالدین خان کاتوزیان به نمایندگی از طرف بانک ملی به عنوان مدعی خصوصی به مدعی به بازده هزار لیره انگلیسی و ۱۶ هزار ریال به طرفیت دکتر لیندن بلات عرض حال داده است. جلسه مقدماتی - دیوان عالی جنائی در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۲ تشکیل دستور احضار متهمین و وکلاء مدافع و آقایان دکتر شرانس و گئورک زیدس و فردریک کینمان برای خبرویت و مادموازل کلدنبرگ به

بازخوانی پرونده محاکمه دکتر لیندن بلات.../اکبر قاسملو

عنوان شاهد آقای امیری مترجم زبان آلمانی داده شد.

جلسه رسیدگی - دیوان عالی جنائی در چند جلسه از تاریخ نهم تا بیستم مهرماه ۱۳۱۲ مرکب از آقایان قضاات فوق‌الذکر و آقای مهیمن مدعی‌العموم استیناف و آقای جدلی معاون مدعی‌العموم استیناف و شخص متهمین و وکلاء مدافع و نماینده بانک آقای مترجم تشکیل شد.

مفاد مواد ۳۷۹ و ۳۸۰ اصول محاکمات جزائی اجرا شد.

ادعانامه به امر رئیس محکمه قرائت گردید.

مفاد ادعانامه با ذکر دلائل به هر یک از متهمین اعلام شد.

متهمین همگی خود را معرفی کردند.

شروع به تحقیقات شده، پس از تحقیقات و رسیدگی به آلات و ادوات استنطاقیه و استماع عقیده خبرگان و شهادت شاهد فوق‌الذکر در جلسه بیستم مهرماه ۱۳۱۲، ختم محاکمه را اعلام، سپس در اطاق علیحده مشاور و به شرح آتی رأی صادر نمودند.

رأی محاکمه

اتهامات منتسب به دکتر لیندن بلات و پنج نفر متهم دیگر بر حسب مندرجات ادعانه و قرار مستنطق و سایر محتویات دوسیه، خلاصه عبارت از این است که دکتر لیندن بلات، اولاً بیلان مزور نموده و از این حیث جاعل است و با ملاحظه اینکه بر اثر آن منافع موهومی را تقسیم نموده، مطابق شق ۳ از ماده ۱۲ قانون تجارت کلاه‌بردار به شمار می‌رود و روست که یادداشت خطاب به دارالانشاء الف را پاراف کرده، از جهت انطباق عمل تهیه بیلان به ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی در امر جعل معاونت و از جهت انطباق آن به ماده ۹۴ مذکور شرکت در کلاه‌برداری نموده و چون ذکر یادداشت خطاب به محاسبات و دارالانشاء را راجع به افزایش چهار میلیون و نیم به شای بلیش و اشتفان داده و شای بلیش داده و آن اقلام موهوم را در دفاتر بانک ثبت نموده و ثبت چنین اقلام متضمن عنوان جعل است و معاون جاعل محسوب و از جهت مداخله در تهیه بیلان شریک در جرم کلاه‌برداری می‌باشد و شای بلیش که اقلام مذکور را وارد دفاتر نموده است، جاعل در اسناد رسمی است و هم‌چنین اشتفان که آن چهار میلیون و کسری را در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ آخر اسفند ۱۳۰۹ برده و در تهیه بیلان شرکت داشته و از حیث اینکه چنین اقلام موهومی را وارد دفاتر نموده است، جاعل در اسناد رسمی به شمار می‌رود.

اولاً دکتر لیندن بلات با نیت سوء و قصد اضرار به بانک چهار هزار لیره به فاست داده است که کنترات او را لغو نموده باشد. ثانیاً دکتر لیندن بلات برخلاف ماده ۴ قرارداد استخدامی خود و برخلاف ماده ۱۰ اساسنامه مقداری طلا از بانک خریده و در مقابل آن لیره کاغذی داده است و هم‌چنین روست در این معامله سهم برده و بنابراین هر دو مرتکب خیانت در امانت گردیده‌اند، در صورتی که تهیه بیلان مزبور، اولاً و بالذات منطبق با عنوان جعل که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ذکر و تجدید شده است نبوده و فقط می‌توان آن را به انضمام عمل دیگر که عبارت از تقسیم منافع موهوم بین صاحبان سهام باشد، یک عمل خاصی دانست که بر طبق دلالت ماده ۹۲ قانون تجارت متضمن جرم کلاه‌برداری خواهد بود و ثانیاً افزودن اقلام

موهوم در بیلان با فرض صحت همانا اعلام خلاف حقیقت بوده و بالنتیجه می‌توان آن را به صورت کذب و یا راپورت خلاف حقیقت تعبیر آورد که دارای هیچ‌گونه آثار قانونی نبوده و نمی‌تواند اعتبار و قوت سندیت داشته باشد و بلکه اکثر مراحل دیگری را طی نموده و بر اثر آن، منافع موهومی بین صاحبان سهام تقسیم می‌شد؛ جرم کلاهبرداری تحقق پیدا کرده و مرتکب آن مطابق ماده ۹۲ قانون مذکور، مستحق مجازات مذکور در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی می‌شد.

نظر به جهات فوق و نظر به اینکه در یادداشت خطاب بدراالانشاء متضمن پاراف روست هیچ‌گونه خلاف حقیقتی ذکر نشده و بلکه حکایت از تقویمی می‌نماید که از طرف مقامات مربوطه اعلام شده است و نظر به اینکه اولاً تخلف از اساسنامه با فرض تحقق قانوناً جرم شناخته نمی‌شود و اگر یک نفر مدیر برخلاف مقررات و برخلاف مقررات یک اساسنامه رفتار کرده باشد، فقط می‌توان او را در حدود همان مقررات مسئول دانست و نظر به اینکه محکوم شدن یک نفر مجازات فرع بر انطباق عمل ارتكابی با قوانین جزائی است و نظر به اینکه تعیین قیمت مال التجاره از قرار لیره نود ریال با آنکه حین التقویم مطابق مقررات وقت بوده و نظر به اینکه منظور داشتن قیمت مال التجاره به عنوان لیره آن هم در موقعی که مال التجاره در داخله مملکت نبوده است، منع قانونی نداشته و نظر به اینکه لیره در آن موقع حسب المقرر نود ریال بوده است، نمی‌توان عمل ارتكابی را مشمول عنوان مذکور در ماده ۹۲ قانون تجارت دانسته و متهمین را از این حیث هم مقصر فرض کرد و هم‌چنین در قسمت دادن چهار هزار لیره از طرف لیندن بلات به فاست که در حدود اختیارات او بوده و دلیلی بر سوءنیت و قصد اضرار بانک موجود نمی‌باشد و در معامله طلا که فقط می‌توان با فرض تحقق موجب مسئولیت حقوقی فرض کرد و دلیلی نیست بر اینکه اگر معامله‌کننده شخص خارجی بود و عیناً همین معامله را می‌کرد، ایجاد مسئولیت جزائی برای رئیس و اعضاء بانک می‌نمود می‌شود نمی‌توان متهمین را از نقطه نظر اتهامات مذکوره، مجرم و مستوجب مجازات دانست و به همین منوال است عملیات منتسب به فوی بل که معامله اسعاری راجع به بیست هزار لیره را به تاریخ موخر یعنی در ۶ اسفند ۱۳۰۹ وارد دفتر نموده و با معاملات راجع به فروش طلا را ۳۱ شهریور منظور داشته است، زیرا در موضوع اول تاریخ اصلی را به طوری که ملاحظه شد، در دفتر قید نموده و در موضوع دوم اولاً دلیلی بر علم او از عدم وقوع معامله در تاریخ ۳۱ شهریور با آنکه یادداشت دریافتی او متضمن تاریخ ۳۱ شهریور بوده است، موجود نیست و ثانیاً نمی‌توان این قبیل عملیات را منطبق با عنوان جعل دانست. بنا به مراتب مذکور، آقایان روست و دکر و اشتفان و شای بلیش و فوی بل در تمام اتهامات منتسبه و لیندن بلات در اتهام تهیه بیلان مزور و معامله طلا و دادن چهل هزار لیره به فاست بی‌تقصیر بوده و براءت آنان اعلام می‌شود.

و اما در قیمت ۲۰۰۰۰ لیره و ۹۶۰۰ لیره ارتكابی لیندن بلات نظر به اظهارات فوی بل که آثار صداقت کاملاً در گفته‌های او مشهود بود و پیدا شدن یک چک پنج هزار لیره به نمره ۹۱۵۳۵۷ یک چک هزار لیره به نمره ۹۱۵۳۵۶ در نزد او که بنا به اقرار خودش چک اولی به حساب مادر زنش و چک دومی به حساب خود در بانک کردیت گذارده شده و اعتراف دیگر مشارالیه به گرفتن یکی از چک‌های شش‌گانه صادره در قسمت ۹۶۰۰ لیره به مبلغ هزار لیره و به نمره ۶۴۵۷۸۸ و پیدا شدن نمره بعد آن به مبلغ هزار لیره دیگر

به اسم فوکل در بیدلند بانک و عدم موجهیت در قسمت دفاع مشارالیه به اینکه از صدور چک‌های مذکور اطلاع نداشتند و فوکل آنها را بابت معامله ملکی به او داده است که علاوه بر نمودن اولی [ناخوانا] و اشاره به صدق این دفاع، اوضاع و شواهد دیگری موجود است که شبهه در کذب بودن آن اظهارات باقی نمی‌ماند. مجرمیت دکتر لیندن بلات در دو فقره مسلم بوده و با ملاحظه تعدد آن، مستحق حداکثر مجازات معینه در ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد، ولی نظر به اینکه مشارالیه شخص تحصیل کرده است و لیاقت و قابلیت خود را در اداره و توسعه تشکیلات بانک ملی ابراز کرده و احتمال قوی هست که عملیات مذکور را در تحت تأثیر و تحریک دیگران مرتکب شده و خود ذاتاً دارای سلیقه فاسد و جنایت‌آمیز نباشد، مستحق تخفیف در مجازات بوده با رعایت مواد ملحقه به قانون اصول محاکمات جزائی از حیث ارتکاب عمل اولی (بیست هزار لیره) بر طبق ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی و ملاحظه ماده ۲ از مواد ملحقه مذکور و رعایت ماده ۴۵ قانون فوق‌الذکر به هیجده ماه حبس تأدیبی و از حیث ارتکاب عمل دومی (۹۶۰۰ لیره) نیز به مواد مذکور به هیجده ماه حبس تأدیبی محکوم است و راجع به دعوای بانک ملی نظر به تحقق مراتب فوق‌الاشعار محکوم است: اولاً مبلغ چهل و شش هزار ریال به علاوه شش هزار لیره انگلیسی بابت موضوع بیست هزار لیره انگلیسی دیگر بابت موضوع نه هزار ششصد لیره در وجه بانک ملی بپردازد و راجع به قسمت‌های دیگر که متضمن عنوان جزائی نبوده و یا محتاج به رسیدگی مفصل‌تری است، می‌تواند به محاکم صالحه مراجعه نماید.

مواد استنادیه از قانون مجازات عمومی به شرح ذیل قرائت شد:

ماده ۲۴۱- هرگاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و امتعه یا بلیط‌های بانک یا نوشته‌جاتی از قبیل [ناخوانا] و قبض و غیره به عنوان اجاره یا امانت یا رهن و یا آنکه برای وکالت یا هر کار یا اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده که اشیاء مذکوره مسترد نشود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده، آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نماید، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و ممکن است به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان نیز محکوم شود.

ماده ۴۵- در مواد جنحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد، محکمه می‌تواند مجازات حبس تأدیبی را تا هشت روز تخفیف داده یا آن را تبدیل به غرامت نماید.

رای محکمه در جلسه علنی در تاریخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۱۲ با حضور آقای جدلی نماینده پارک استیناف علناً قرائت و توسط مترجم به متهمین اعلام شد.

از این رای بانک ملی ایران درخواست رسیدگی تمیزی می‌کند که در زیر، روند رسیدگی تمیزی آورده می‌شود:

ورقه عرض حال به دیوان عالی تمیز

طرفین	اسم	شهرت	شغل	محل اقامت
مستدعی تمیز	بانک ملی ایران	—	تجارت	تهران - خیابان علاءالدوله
طرف مستدعی تمیز	دکتر کورت لیندن بلات	لیندن بلات	رئیس سابق بانک ملی ایران	تهران - محبس فصر
وکیل باقیم یا ولی	—	—	—	—
محکوم به	چهار هزار لیره انگلیسی که دکتر کورت لیندن بلات بدون جهت از مالیه بانک بمسیو فاست آلمانی داده است دیوانعالی جنائی طهران عمل دکتر لیندن بلات را از این حیث جرم تشخیص نداده و اهدا مبلغ مزبور را بفاست در حدود اختیارات دکتر لیندن بلات انگاشته است.			
«شرح حال»				
نسبت بحکمی که در تاریخ از محکمه دیوانعالی جنائی طهران شعبه — صادره شده و تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۱۲ به نماینده بانک ملی ایران ابلاغ شده معترض و تقاضای رسیدگی و نقض و ارجاع آن در قضیه فاست می شود سواد حکم و لایحه اعتراضیه و کالت نامه که جمعاً هفت ورقه است ضمیمه عرضحال می باشد.				
محل امضا تهران مورخه اول آبان ۱۳۱۲ بانک ملی ایران				
محل ارجاع	۳/۱۴۵			

[عرضحال تمیزی بانک ملی]

«بانک ملی ایران

مرکز طهران

اول آبان ماه ۱۳۱۲

دیوانعالی تمیز

شکایت تمیزی بانک ملی ایران به عنوان مدعی خصوصی از قسمتی از حکم دیوان عالی جنائی طهران

راجع به دکتر لیندن بلات و موضوع فاست مبتنی بر اصولی است که ذیلاً اشعار می شود:

ماده هشتم اساسنامه بانک ملی ایران که در جلسه ۳۰ خرداد ۱۳۰۷ به تصویب هیئت محترم وزراء عظام

و در جلسه ۱۴ تیر ۱۳۰۷ به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسیده است، راجع به عزل و نصب مستخدمین بانک و تعیین وظایف و مقرری آنها به هیچ وجه اقتدارات فعال ما یشائی و اختیارات نامحدودی که خارج از حدود معمول و متعارف باشد، به دکتر لیندن بلات نداده است. این مسئله محتاج به توضیح نیست که در تنظیم اساسنامه بانک ملی ایران، فقط حفظ منافع بانک و در عین حال تسهیل وسائل اداره آن، منظور نظر بوده و دکتر لیندن بلات از این تسهیلات که از طرف صاحبان سهام در نتیجه حسن نیت و اعتماد در حدود معمول و متعارف به او اعطاء شده بود، سوءاستفاده نمود و دو فقره خیانت در امانت او هم راجع به قضیه ۲۰۰۰۰ لیره و ۹۶۰۰ لیره در پیشگاه دیوان عالی جنائی طهران به ثبوت رسیده است. علت اینکه دکتر لیندن بلات در قضیه فاست موضوع را به حکمیت مراجعه ننموده، همانا این بوده است که مشارالیه و فوکل می خواسته اند بدون اینکه کسی از بیم مسئولیت آتیه مانع عملیات آنها بشود و یا احتمالاً روزی اسرار آنها را فاش کند، با خاطری جمع در بانک ملی ایران به استفاده های نامشروع خود ادامه دهند. چون فاست اصول اداری بانک و طرز تهیه بیلان و سری بودن آن و همچنین سایر اوضاع و احوال را در ظرف سه چهار ماهی که در خدمت بانک بوده است، به خوبی مشاهده کرد و عدم انطباق طرز اداره آن را از این حیث با اصول معموله در سایر مؤسسات بانکی دنیا درک و استنباط نمود، لهذا دکتر لیندن بلات و فوکل، رجوع او را در بانک، منافی با منافع غیر مشروع خود تشخیص داده و با اهداء چهار هزار لیره انگلیسی از مالیه بانک، دست مشارالیه را از خدمت کوتاه نموده و میدان خیانت و ارتکاب جرائم را برای خویش خالی و به این ترتیب هرگونه دغدغه خاطر را برای خود مرتفع ساختند.

پر واضح است که هرگاه دکتر لیندن بلات می خواست موضوع فاست را همان طوری که در قرارداد استخدام او پیش بینی شده بود به حکمیت مراجعه کند و در اخراج فاست از نقطه نظر مادی تضییعی درباره مشارالیه روا دارد، ممکن بود در ضمن دفاعی که فاست از حقوق خود می نمود، عملیات دکتر لیندن بلات و فوکل یعنی همان معاون وفادار او در همان موقع فاش و آشکار بشود. عملیات و خیانت های فوکل، موضوع عرض حالی را تشکیل داده است که در آتیه نزدیکی از طرف بانک ملی ایران بر علیه وراث مشارالیه به محکمه حقوق، تقدیم خواهد شد و دکتر لیندن بلات فوکل معلوم الحال را مع الوصف به فاست ترجیح داده و فاست را پس از سه چهار ماه خدمت، برای ترضیه خاطر فوکل و به نام حفظ منافع بانک از خدمت معاف نمود. یک مراجعه سطحی با دعانه آقای مدعی العموم بدایت طهران نشان خواهد داد که قضیه ۲۰۰۰۰ لیره در ۱۱ بهمن ۱۳۰۹ و قضیه ۹۶۰۰ لیره در ۱۰ شهریور ۱۳۱۰ شروع شده و در فاصله بین همین دو تاریخ یعنی در ۱۸ آوریل ۱۹۳۱ مطابق با ۲۸ فروردین ۱۳۱۰ بوده است که دکتر لیندن بلات کترات فاست را ملغی و چهار هزار لیره انگلیسی از مالیه بانک به او اهداء می کند. قضیه بیلان هم در خرداد ۱۳۱۰ یعنی تقریباً دو ماه پس از خروج فاست از خدمت بانک رخ می دهد و سه چهار ماه بعد از آن، یعنی در مهر ۱۳۱۰ نیز عملیات راجع به طلای بانک شروع می شود، به طوری که ملاحظه می فرمائید، تمام این اقدامات در حدود چند ماه قبل و بعد از اخراج فاست از خدمت بانک به عمل آمده و این خود اقوی دلیلی است که در این مورد، سوءنیت دکتر لیندن بلات و قصد اضرار او را به بانک در مسئله فاست به ثبوت می رساند و به خوبی

مدل می‌سازد که ادعا و اظهارات بی‌اساس مشارالیه مبنی بر اینکه اخراج فاست از خدمت بانک و اهداء چهار هزار لیبره به او از لحاظ حفظ منافع بانک بوده است، تا چه اندازه دور از حقیقت می‌باشد. اساساً وجود فاست با استنباطاتی که از مشاهده اوضاع نموده بود و مخصوصاً با طرز فکری که داشت، در آن موقع که بحیوچه این خیانت‌کاری‌ها بوده است، مانع از ارتکاب این عملیات بوده، والا با در نظر گرفتن اینکه مشارالیه در تمام مدت خدمت خود در بانک که بیش از سه چهار ماه به طول نینجامید، بر طبق اقرار خود دکتر لیندنبلات و شهادت دوسیه پرسنلی او هیچ‌گاه مرتکب تقصیر اداری نشده بود. دکتر لیندنبلات می‌توانست مشارالیه را به ولایات اعزام و در مقابل چهار هزار لیبره انگلیسی که به پول ایران متجاوز از چهارصد هزار ریال می‌شده و بلاعوض به او داده است، از خدمات او اقل در ولایات استفاده کند و یا اینکه هرگاه اصولاً عدم اطاعتی از مشارالیه به ظهور می‌رسید و یا از طرف او واقعاً حس عدم انجام وظیفه ابراز می‌شد، موضوع را به طوری که در قرارداد استخدام مشارالیه پیش‌بینی شده بود، به حکمیت ارجاع نماید. با در نظر گرفتن مراتب فوق و سایر اوضاع و احوال، محقق و مسلم است که دکتر لیندنبلات از اختیارات خود سوء استفاده نموده و عمل او در این مورد خیانت در امانت و منطبق با مقررات ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد. بانک ملی ایران با استفاده از سایر دلائلی که آقای مدعی‌العموم استیناف نیز نسبت به جرم بودن موضوع فاست در عرض حال تمیزی خود اقامه خواهد کرد، تمنی دارد که دیوان عالی تمیز این مطلب را تحت مطالعه و رسیدگی قرار داده و حکم دیوان عالی جنائی طهران را از لحاظ اینکه قضیه فاست در آن جرم تشخیص داده نشده و اهدا چهار هزار لیبره انگلیسی به مشارالیه در حدود اختیارات دکتر لیندنبلات پنداشته شده است، نقض فرمایند تا جبران ضرر و زیان خصوصی بانک در ضمن رسیدگی و محکومیت مجدد جزائی دکتر لیندنبلات در قضیه فاست تأمین و دکتر لیندنبلات هم از این حیث به مجازات قانونی خود برسد. بانک ملی ایران، این حق را نیز برای خود محفوظ می‌دارد که در موضوع طلا به محکمه حقوق مراجعه نماید.

با تقدیم احترامات فائقه

بانک ملی ایران»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال بین‌المللی علوم انسانی

[دفاعیه مظفر فیروز و کیل دکتر لیندن بلات]

«دار الوکاله مظفر فیروز - طهران ۱۳۱۲/۱۱/۲۹»

مقام محترم ریاست دیوان عالی تمیز - دامت شوکته

در تعقیب عرض حال تقدیمی دکتر لیندن بلات از حکم صادره دیوان عالی جنایی که در تحت نمره ۱۳ دوسیه ۱۴۴ می‌باشد، اینک اینجانب به وکالت مشارالیه بر طبق ماده ۴۴۰ اصول محاکمات جزائی جهات استدعای تمیز و تخلفاتی که در ضمن حکم صادره محکمه جنائی از مقررات موضوعه شده، ذیلاً به عرض دیوان عالی تمیز رسانده و نقض بالارجاع آن را تقاضا می‌نماید.

(۱) محکمه جنائی از پنج فقره اتهام منتسبه به دکتر لیندن بلات موکل اینجانب را نسبت به دو فقره از اتهامات که راجع به معامله ۲۰۰۰۰ لیره و ۹۶۰۰ لیره باشد مجرم تشخیص داده، بنابراین از لحاظ روشن کردن ذهن دیوان عالی نسبت به کیفیت اتهامات مزبور توجه آن مقام محترم را به مفاد ادعای معطوف می‌دارد و ملاحظه خواهند فرمود که در موضوع معامله ۲۰۰۰۰ لیره اتهام منتسبه بر طبق ادعای مدعی العموم این است که به تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۰۹ دکتر لیندن بلات مبلغ ۲۰۰۰۰ لیره انگلیسی به نرخ رسمی روز که از قرار لیره شش تومان بوده، در مقابل یادداشت تعهدی ۱۲۰۰۰۰ تومان گرفته است و اینکه در اسفند سنه مزبور که نرخ رسمی لیره به نود ریال ترقی کرده بود، چهارده هزار لیره به بانک فروخته و در مقابل آن مبلغ ۱۲۴۶۰۰ تومان اخذ نموده که از مبلغ ۱۲۰۰۰۰ تومان که قیمت ۲۰ هزار لیره بوده به بانک پرداخت و بقیه را به ضرر بانک تصاحب نموده است. با توجه به مفاد اتهام مزبور، ملاحظه خواهند فرمود که عملیات منتسبه بر طبق ادعای خود آقای مدعی العموم خرید و فروش اسعار است به نرخ رسمی روز و علاوه بر اینکه خرید و فروش اسعار به نرخ رسمی روز به هیچ وجه نمی‌توان به ضرر بانک قلمداد نمود، زیرا بانک مکلف به معامله به نرخ تعیین شده رسمی بوده و اسعار حاصله خود را کمی کمتر از نرخ مزبور از تجار صادرکننده خرید می‌نموده، اساساً عملیات منتسبه با فرض تحقق در هیچ کدام از قوانین موضوعه جرم تشخیص داده نشده تا عنوان جرم بتوان برای آنها قائل شد: با تصدیق اینکه خرید لیره به نرخ ۶ تومان در تاریخ بهمن ۱۳۰۹ که نرخ رسمی دولتی بوده عمل مجاز و جرم نیست و با تصدیق اینکه فروش لیره به تاریخ اسفند ۱۳۰۶ به نرخ لیره نود ریال که در آن تاریخ نرخ رسمی دولتی بوده نیز عمل مجاز بوده و جرم نمی‌باشد و با ملاحظه ماده ۸ اساسنامه بانک ملی که بر طبق آن تعیین شرایط معاملات با رئیس بانک است، بر دیوان عالی تمیز مسلم خواهد بود که هرگاه تصدیق شود، عمیات مزبوره منفرد جرم نبوده جمع و نتیجه عملیات مزبور که به منزله یک سلسله عملیات مجاز باید دانست، به طریق اولی جرم نخواهد بود. نظر به اینکه موافق ماده ۲ قانون مجازات عمومی، هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست، مگر آنچه به موجب قانون جرم شناخته شده و نظر به اینکه عملیات منتسبه یعنی خرید و فروش اسعار به نرخ رسمی دولتی قانوناً مجاز بوده و همه روزه در بانک واقع می‌شد و در هیچ کدام از مقررات جزائی جرم شناخته نشده است، لذا مسلم است قائل شدن عنوان جرم برای عملیات مزبور، بی‌مورد و مخالف صریح ماده ۲ قانون مجازات عمومی می‌باشد.

آقای مدعی العموم در ادعای خود در ضمن تشریح ادعای مربوطه به اتهام ۲۰ هزار لیره، عبارت ذیل را مرقوم داشتند:

«عملیات مزبوره از این جهت جرم است که با وجود اینکه بر طبق ماده ۱۰ اساسنامه بانک که تصریح دارد اعضاء و ریاست بانک حق تجارت و معاملات به نفع خود ندارند و فقره ۴ قرارداد استخدامی دکتر لیندن بلات که ریاست مسئولیت بانک را به عهده دارد مشارالیه محول کرده، مبادرت به عملیات مزبوره نموده الخ».

بنابراین آقای مدعی العموم، عملیات منتسبه را از این جهت جرم دانسته که بر خلاف ماده ۱۰ اساسنامه

و ماده ۴ قرارداد استخدای بوده است؛ اما باید دید محکمه جنائی در ضمن رأی خود، تخلف از اساسنامه را به چه قسم تعبیر نموده برای ثبوت براءت موکل خود و برای اینکه تناقض کامل حکم صادره جنائی بر دیوان عالی مدلل گردد، توجه آن مقام محترم را به عبارت ذیل که از حکم محکمه جنائی استخراج گردیده، معطوف می‌دارد.

«نظر به اینکه اولاً تخلف از اساسنامه با فرض تحقق قانوناً جرم شناخته نمی‌شود اگر یک نفر مدیر برخلاف مقررات تعهدی و برخلاف مقررات یا اساسنامه رفتاری کرده باشد، فقط می‌توان او را در حدود همان مقررات مسئول دانست و نظر به اینکه محکوم شدن یک نفر به مجازات فرع بر انطباق عمل ارتكابی با قوانین جزائی است الخ»

با اینکه محکمه جنایی طهران موافق عبارت مستخرجه از حکم صادره که فوقاً ذکر گردید، صریحاً تصدیق نموده که تخلف از اساسنامه و یا مقررات تعهدی ایجاد جرم نمی‌کند، چگونه اتهام منتسبه به دکتر لیندن بلات که خود مدعی العموم جهت جرم بودن آن را تخلف از اساسنامه و قرارداد استخدای معرفی نموده جرم تشخیص داده و رأی محکومیت موکل اینجانب را صادر نمودند و با اینکه محکمه جنائی طهران در ضمن حکم صادره صریحاً تصدیق نموده که محکوم شدن یک نفر به مجازات فرع بر انطباق عمل ارتكابی با قوانین جزائی است و با در نظر گرفتن اینکه عملیات منتسبه به موکل اینجانب خرید و فروش اسعار است و به نرخ رسمی روز که در هیچ کدام از مقررات موضوعه جرم شناخته نشده، معلوم نیست محکمه جنائی چگونه برخلاف تصدیق صریح خود عملیات مزبوره که هیچ انطباق با قوانین جزائی نمی‌کند، جرم تشخیص داده و موکل اینجانب را محکوم نمودند.

با توجه به دیوان عالی تمیز به اتهام معامله طلا که بر طبق حکم صادره از محکمه جنائی حقاً رأیی به براءت موکل اینجانب صادر گردیده، عبارت ذیل که جزء استدلالات محکمه است و مورد استفاده می‌باشد، ملاحظه خواهند فرمود. «در معامله طلا که فقط می‌توان با فرض تحقق مسئولیت حقوقی فرض کرده، دلیلی نیست بر اینکه اگر معامله‌کننده شخص خارجی بوده و عیناً همین معامله را می‌کرد، ایجاد مسئولیت جزائی برای رئیس بانک می‌نمود».

استدلال فوق‌الذکر محکمه مورد استفاده است، زیرا مدلل می‌دارد برای اینکه معامله ۲۰ هزار لیره و ۹۶۰۰ لیره جرم باشد، باید دلیلی باشد بر اینکه اگر معامله‌کننده شخص خارجی بوده و عیناً همین معامله را می‌کرد، ایجاد مسئولیت جزائی برای رئیس بانک می‌نموده؛ یعنی باید ثابت شود که اگر شخص خارجی اسعار را به نرخ رسمی دولتی خرید و فروش می‌کرد، برای رئیس بانک ایجاد مسئولیت جزائی می‌نمود و حال آنکه موافق دفاتر موجوده بانک، همه روزه اشخاص خارجی اسعار را به نرخ رسمی روز معامله نموده و ابدأً برای رئیس بانک ایجاد مسئولیت جزائی نکرده است، بلکه موافق ماده ۴ اساسنامه بانک خرید و فروش اسعار جزء وظایف اصلی بانک شناخته شده و کاملاً عمل مجاز و قانوناً مشروع می‌باشد:

با ذکر مراتب فوق معلوم نیست در کدام از مقررات موضوعه تصریح شده که اگر رئیس بانک خرید و فروش اسعار به نرخ رسمی روز نماید، مجرم است که محکمه جنائی طهران بتواند به استناد آن، موکل

اینجانب را مجرم دانسته و حکم محکومیت او را صادر نماید.

اتهام معامله ۹۶۰۰ لیره هم باز خرید اسعار بوده به قیمت روز در ادعای مدعی العموم جهت جرم بودن آن باز تخلف از اساس نامه و قرارداد استخدامی معرفی شده نظر به دلایل فوق تخلف از مقررات مزبور با فرض تحقق جرم نبوده و حکم محکمه جنائی در این قسمت هم فاقد مجوز قانونی است.

بنابر مراتب فوق و با فرض تحقق اینکه موکل اینجانب خرید و فروش اسعار و عملیات بانکی بر خلاف ماده ۱۰ اساس نامه و ماده ۴ قرارداد استخدامی نموده، موافق استدلال مندرجه در خود حکم محکمه که فوقاً اشاره به آن شده، در حدود همان مقررات قابل تعقیب خواهد بود، لذا نظر به اینکه محکمه جنائی طهران حکم مجازات موکل اینجانب را برخلاف ماده ۲ قانون مجازات عمومی برای یک عملیاتی به عنوان جرم صادر نموده و حال آنکه عملیات مزبور بر فرض وقوع قانوناً داخل در جرم نبوده و اصلاً قابل مجازات نمی باشد، بر طبق شق ثالث ماده ۴۵۸ اصول محاکمات جزائی نقض بالارجاع حکم مزبور مورد استعدا است.

(۲) اما حکم صادره مبنی بر پرداخت وجه به عنوان ضرر و زیان به بانک ملی (مدعی خصوصی) به دلایل ذیل، فاقد مجوز قانونی است:

الف) ضرر بانک ملی از معاملات متناسبه به هیچ وجه ثابت نشده و بانک ابداً ضرر نکرده است، زیرا عملیات متناسبه خرید و فروش اسعار است به نرخ رسمی روز و البته مسلم است هر معامله اسعاری که بانک ملی ایران به نرخ رسم روز کرده باشد، نمی توان به ضرر بانک دانست، زیرا بانک قانوناً مکلف به معامله به نرخ رسمی روز بوده و ثانیاً بانک اسعار حاصله خود را کمی کمتر از میزانی که می فروخت از تجار صادرکننده می خرید و چون اسعار بانک کمی تر از میزان فروش برای خود بانک تمام می شد، عنوان ضرر بی مورد و فاقد مجوز قانونی است.

ب) عنوان آقای مدعی العموم این بوده که موکل اینجانب بر خلاف ماده ۴ قرارداد استخدامی، معامله به نفع خود کرده. نظر به اینکه ماده ۶ قرارداد استخدامی صریحاً تعیین نموده بانک ملی ایران در صورت تخلف دکتر لیندن بلات از ماده ۴ قرارداد استخدامی چه حقی را از بابت خسارات دارا می باشد و نظر به اینکه قرارداد مزبور مشمول ماده ۱۰ قانونی مدنی است و بین طرفین نافذ می باشد، مسلم است که با فرض تحقق تخلف دکتر لیندن بلات از ماده ۴ قرارداد بانک از بابت ضرر عمل مزبور پیش از آنچه در ماده ۶ قرارداد تصریح گردیده، حق مطالبه ندارد و بنابراین حکم محکمه در این قسمت هم بی مورد و فاقد مجوز قانونی است.

ج) با اینکه محکمه جنائی در ضمن رأی خود، فروش ۲۰ هزار لیره به نرخ رسمی روز به تاریخ بهمن ۱۳۰۹ از طرف بانک به دکتر لیندن بلات محقق دانسته، مع ذلک بانک را نسبت به ۱۴ هزار لیره که ادعا شده در تاریخ اسفند موکل اینجانب به بانک فروخته، صاحب مال فرض کرده است و بدیهی است فرض دو اصل متضاد است، زیرا اگر بانک ۲۰ هزار لیره را فروخته بود که دیگر نسبت به آن صاحب مال نیست که در نفع یا ضرر حاصله از فروش ۱۴ هزار لیره به تاریخ اسفند ذی مدخل باشد و به عنوان ضرر بتواند ادعا نماید و اگر هم ۱۲۰ هزار لیره را فروخته بود که تمام دعوی بر علیه موکل اینجانب از بین می رود و چون

ثابت است محکمه جنائی رأی خود را روی اصل متناقض ناشی از اشتباه قرار داده، مسلم است اثری بر آن مترتب نیست و در قسمت حکم صادره بر له مدعی خصوصی هم بنابر جهات موجه فوق نقض بلارجاع مورد تقاضا است. در خاتمه با ثبوت اینکه حکم صادره محکمه جنائی طهران برخلاف مقررات صادر گردیده و با مسلم بودن اینکه هیچ کدام از عملیات متنسبه با فرض تحقق جرم شناخته نشده تا بتوان برای آن عنوان مجازات قائل شد و با ثبوت اینکه عنوان ضرر از طرف بانک نسبت به معاملات اسعاری به نرخ رسمی روز اساساً بی مورد و مجوزی ندارد، توجه خاص دیوان عالی تمیز را به اختیارات تامه که به دکتر لیندن بلات داده شده بود و در قسمت اخیر ادعانامه مورد اعتراف مدعی العموم هم واقع گردی معطوف می دارم و تصدیق خواهند فرمود که معقول نیست از یک طرف اختیارات تامی به کسی داد و از طرف دیگر ایراد گرفت که چرا در حدود اختیارات محوله رفتار نموده است و با توجه به اینکه موکل اینجانب برای تأسیس و توسعه بانک ملی ایران فاقد هرگونه وسایل فنی بوده، تصدیق خواهند فرمود که از اختیارات خود به نفع دولت و مملکت استفاده نموده و در تأسیس و توسعه بانک ملی ایران نهایت درجه لیاقت و کفایت ابراز داشته است؛ بنابراین شایسته این است که دیوان عالی با توجه به براءت کامل موکل اینجانب، بنابر دلائل فوق الاشعار، حکم صادره جنائی را بلارجاع فرماید.^۱ [امضاء] مظفر فیروز.»

[دفاعیه فیروز وکیل مدافع لیندن بلات]

«دارالوکاله مظفر فیروز

طهران - ۱۳۱۲/۱۱/۳۰

مقام محترم ریاست دیوان عالی تمیز

در موضوع عرضحال تمیزی بانک ملی ایران از حکم صادره محکمه جنائی طهران مبنی بر براءت دکتر لیندن بلات در موضوع اتهام کتترات مسیو فاست، اگرچه نسخه ثانی عرض حال مزبور به موکل اینجانب ابلاغ نگردیده، ولی در موقع مراجعه بدوسییه، امر اعتراضات بانک ملی ایران را مورد دقت قرار داده و ذیلاً به تقدیم جواب مبادرت می گردد.

(۱) اعتراضات تقدیمی بانک، تماماً راجع و مربوط به ماهیت امر بوده و بدین جهت در مرحله تمیزی، قابل هیچ قسم توجه نخواهد بود.

(۲) موافق ماده ۸ اساس نامه بانک ملی دکتر لیندن بلات که رئیس بانک بوده، در موضوع عزل و نصب مستخدمین بانک و تعیین مقرری و وظایف آنها، اختیارات بلاشروط داشته است. نظر به مقتضیات و حفظ منافع بانک که تشخیص دهنده آن رئیس بانک بوده، دکتر لیندن بلات صلاح دانست به خدمت مسیو فاست که مستخدم بانک بوده خاتمه دهد و موافق ماده فوق اختیارات قانونی در عزل مستخدمین هم داشته است:

۱. اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضائیه، زونکن ۲۴، پرونده ۱۴۴/۳

در کنترات مسیر فاست قید شده بود که اگر بانک قبل از انقضای مدت کنترات بخواهد به خدمت مشارالیه خاتمه دهد، باید فلان مبلغ در وجه ایشان بپردازد: منافع بانک موافق تشخیص رئیس مسئول اختیارداران عزل فاست را ایجاب می نمود و دکتر لیندن بلات در حدود اختیارات خود به خدمت مشارالیه خاتمه داد و چون قبل از انقضای کنترات مشارالیه بوده، موافق مفاد آن بانک مکلف به پرداخت وجوهی به فاست بوده و مبلغ ۴۰۰۰ لیره که داده شد، کم تر از میزانی بوده که در کنترات پیش بینی شده بود و در اینجا هم حفظ منافع بانک کاملاً شده بود و چون فاست بنابر تراضی طرفین برای الغای کنترات خود حاضر به قبول مبلغ مزبور گردید، قضیه به تراضی طرفین خاتمه یافت. بنابراین معلوم نیست اشاره بانک در ضمن اعترافات خود به اختلافات و اینکه می بایست به حکمیت مراجعه شده باشد، چه بوده و منظور نظر از اختلافات مزبور چه می باشد؟

بدیهی است که مستشاران محترم دیوان عالی تمیز عمل بانک ملی ایران مبنی بر اینکه موافق ماده اساس نامه از یک طرف اختیارات تامه به دکتر لیندن بلات داده که اعضای بانک را عزل و نصب کند و مقرری آنها را تعیین نماید و از طرف دیگر، عمل مجاز موکل اینجانب که از لحاظ حفظ منافع بانک انجام گرفته و در حدود اختیارات قانونی ایشان بوده، مورد ایراد و تعقیب قرار می دهند. با نظر کمال تعجب تلقی خواهند فرمود و البته تصدیق خواهند فرمود که یک مؤسسه مهم در اختیاراتی که به رؤسای خود می دهند، باید کمال دقت و مطالعه را به عمل آورد، ولی وقتی یک اختیارات معینی را داد، دیگر نمی تواند ایراد کند که چرا در حدود اختیارات محوله رفتار شده است و اتخاذ این رویه مخالف و متضاد از طرف یک مؤسسه مهم به نظر شایسته نمی آید. بنابر مراتب فوق بر دیوان عالی مدلل خواهد گردید که حکم صادره محکمه جنائی طهران مبنی بر برائت موکل این جانب در موضوع اتهام فاست صحیحاً صادر شده و بدین جهت ابرام آن از طرف دیوان عالی، مورد استدعا است.

مظفر فیروز»

[رای دیوان عالی تمیز]

«دیوان عدالت عظمی

نمره

ورقه تحقیقات و صورت مجلس

در خصوص اتهام اشخاص مفصله الاسامی ذیل:

- ۱- دکتر لیندن بلات پسر ویلهلم رئیس سابق بانک ملی.
- ۲- هاین ریش روست پسر یاکوب عضو بانک ملی.
- ۳- اتودکر پسر کارل عضو بانک ملی.
- ۴- فرتیش اشتفان پسر ژوزف عضو بانک ملی.
- ۵- بوتو شای پسر ادوارد عضو بانک ملی.

۶- گوستاو فوی بل پسر فردریش عضو بانک ملی.

اتباع دولت آلمان ساکنین تهران به ارتکاب تهیه بیان تقلبی و خیانت در امانت و جعل در اسناد رسمی در سنوات ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ بانک ملی ایران که در نتیجه تحقیقات مقدماتی در محکمه جنایی تهران طرح و آن محکمه رسیدگی در بیستم مهرماه ۱۳۱۲ بدین نحو رأی داده:

اتهامات منتسب به دکتر لیندن بلات و پنج نفر متهم دیگر بر حسب مندرجات ادعای نامه و قرار مستنطق و سایر محتویات دوسیه خلاصه عبارت از این است که دکتر لیندن بلات اولاً بیلانی مزور تهیه نموده و از این حیث جاعل است و با ملاحظه اینکه بر اثر آن منافع موهومی را تنظیم نمود، مطابق شق ۳ از ماده ۹۲ قانون تجارت کلاهبرداری به شمار می‌رود و روست که یادداشت خطاب به دارالانشاء را پاراف کرده، از جهت انطباق به ماده ۹۲ مذکور شرکت در کلاهبرداری نموده و چون دکتر یادداشت خطاب به محاسبات و دارالانشاء را راجع با فردریش چهار میلیون و نیم و اشتفان داده و شای بلیتس آن اقلام موهوم را در دفاتر بانک ثبت نموده و ثبت چنین اقلام، متضمن عنوان جعل است، معاون جاعل محسوب و از جهت مداخله در تهیه بیان شریک در جرم کلاهبرداری می‌باشد و شای بلیتس که اقلام مذکور را وارد دفاتر نموده است، جاعل در اسناد رسمی است و هم‌چنین اشتفان که آن چهار میلیون و کسری را در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ در حساب آخر اسفند ۱۳۰۹ برده، در تهیه بیان شرکت داشته و از حیث اینکه چنین اقلام موهومی را وارد دفاتر نموده است، جاعل در اسناد رسمی به شمار می‌رود.

ثانیاً دکتر لیندن بلات با نیت سوء و قصد اضرار به بانک، چهار هزار لیره به فاست داده است که کتترات او را لغو نموده باشد. ثالثاً دکتر لیندن بلات برخلاف ماده ۴ قرارداد استخدای خود و برخلاف ماده ۱۰ اساس‌نامه، مقداری طلا از بانک خریده و در مقابل آن لیره کاغذی داده است و هم‌چنین روست در این معامله سهم برده و بنابراین هر دو مرتکب خیانت در امانت گردیده‌اند، در صورتی که تهیه بیان مزور اولاً و بالذات منطبق با عنوان جعل که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ذکر و تجدید شده است نبود و فقط می‌توان آن را به انضمام عمل دیگر که عبارت از تقسیم منابع موهوم بین صاحبان سهام باشد، یک عمل خاصی دانست که بر طبق دلالت ماده ۹۲ قانون تجارت متضمن عنوان جرم کلاهبرداری خواهد بود و ثانیاً افزودن اقلام موهوم در بیان با فرض صحت، همانا اعلام خلاف حقیقت بود. و بالتبیین می‌توان آن را به صورت حساب کذب و یا راپورت خلاف حقیقت تعبیر آورد که دارای هیچ‌گونه آثار قانونی نبوده و نمی‌تواند اعتبار و قوت سندیت داشته باشد و بلکه اگر مراحل دیگری را طی نموده و بر اثر آن منافع موهومی بین صاحبان سهام تقسیم می‌شد، جرم کلاهبرداری تحقق پیدا کرده و مرتکب آن مطابق ماده ۹۲ قانون مذکور، مستحق مجازات مذکور در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی می‌شد. نظر به جهات فوق و نظر به اینکه در یادداشت خطاب به دارالانشاء متضمن پاراف روست، هیچ‌گونه خلاف حقیقی ذکر و بلکه حکایت از تقویمی می‌نماید که از طرف مقامات مربوطه اعلام شده است و نظر به اینکه معاونت در جرم موقعی تحقق پیدا می‌کند که خود عمل قانوناً جرم شناخته شده باشد و در این مورد به طوری که ذکر شد تهیه بیان مزور منطبق با عنوان جعل نیست.

و همچنین از حیث و انطباق قضیه به ماده ۹۲ قانون تجارت نظر به اینکه اولاً تخلف از اساس نامه با فرض تحقق قانوناً جرم شناخته نمی‌شود و اگر یک نفر مدیر برخلاف مقررات تعهدی و برخلاف مقررات یک اساس نامه رفتار کرده باشد فقط می‌توان او را در حدود همان مقررات مسئول دانست- و نظر به اینکه محکوم شدن یک نفر به مجازات فرع بر انطباق عمل ارتكابی با قوانین جزائی است- و نظر به اینکه تعیین قیمت مال التجاره از قرار لیره نود ریال با آنکه حین تقویم مطابق مقررات وقت بوده و نظر به اینکه منظور داشتن قیمت مال التجاره به عنوان لیره، آن هم در موقعی که مال التجاره در داخله مملکت نبوده است، منع قانونی نداشته و نظر به اینکه لیره در آن موقع حسب المقرر نود ریال بوده است، نمی‌توان عمل ارتكابی را مشمول عنوان مذکور در ماده ۹۲ قانون تجارت دانسته و متهمین را از این حیث هم مقصر فرض کرد و همچنین در قسمت دادن چهار هزار لیره از طرف لیندن بلات به فاست که در حدود اختیارات او بوده و دلیل بر سوء نیت و قصد اضرار بانک موجود نمی‌باشد و در معامله طلا که فقط می‌توان با فرض تحقق موجب مسئولیت حقوقی فرض کرد و دلیلی نیست بر اینکه اگر معامله کننده شخص خارجی بوده و عیناً همین معامله را می‌کرد، ایجاد جزایی برای رئیس و اعضا بانک می‌نمود، نمی‌توان متهمین را از نقطه نظر اتهامات مذکور، مجرم و مستوجب مجازات دانست و به همین منوال است عملیات منتسب به فوی بل که معامله اسعاری راجع به بیست هزار لیره را به تاریخ مؤخر یعنی در ۱۶ اسفند ۱۳۰۹ وارد دفتر نمود و یا معاملات راجع به فروش طلا را به حساب ۳۱ شهریور منظور است، زیرا در موضوع اول تاریخ اصلی را به طوری که ملاحظه شد، در دفتر قید نموده و در موضوع دوم اولاً دلیلی بر عدم وقوع معامله در تاریخ ۳۱ شهریور با آنکه یادداشت دریافتی او متضمن تاریخ ۳۱ شهریور بوده است، موجود نیست و ثانیاً نمی‌توان این قبیل عملیات را منطبق با عنوان جعل دانست.

بنا به مراتب مذکور، آقایان روست و دکر و اشتفان و شای بلیش و فوی بل در تمام اتهامات منتسبه و لیندن بلات در اتهام تهیه بیلان مزور و معامله طلا و دادن چهار هزار لیره به فاست بی‌تقصیر بوده و برائت آنان اعلام می‌شود. و اما در قسمت ۲۰۰۰۰ لیره و ۹۶۰۰ لیره ارتكابی لیندن بلات نظر به اظهارات فوی بل که آثار صداقت کاملاً در گفته‌های او مشهود بود و پیدا شدن یک چک پنج هزار لیره به نمره ۹۱۵۳۵۷ و یک چک هزار لیره به نمره ۹۱۵۳۵۶ در نزد او که بنا به اقرار خودش چک اولی به حساب مادرزنش و چک دومی به حساب خود در بانک کردیت گذارده شده و اعتراف دیگر مشارالیه به گرفتن یکی از چک‌های شش گانه صادر در قسمت ۹۶۰۰ لیره به مبلغ هزار لیره و به نمره ۶۴۵۷۸۸ و پیدا شدن نمره بعد آن به مبلغ هزار لیره دیگر به اسم فوگل در میدلند بانک و عدم موجهیت دفاع مشارالیه به اینکه از صدور چک‌های مذکور اطلاعی نداشته و فوگل آنها را بابت معامله ملکی به او داده است که علاوه بر نبودن ادله قرینه و اماره به صدق این دفاع اوضاع و شواهد دیگری موجود است که شبهه در کذب بودن آن اظهارات باقی نمی‌ماند. مجرمیت دکتر لیندن بلات در دو فقره از اتهامات منتسبه مسلم بوده و با ملاحظه تعدد آن، مستحق حداکثر مجازات معینه در ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد، ولی نظر به اینکه مشارالیه شخص تحصیل کرده است و لیاقت و قابلیت خود را در اداره توسعه تشکیلات بانک ملی ابراز کرده و احتمال

قوی است که عملیات مذکوره را تحت تأثیر و تحریک دیگران مرتکب شده و خود ذاتاً دارای خلیقه فاسد و خیانت‌آمیز نباشد، مستحق تخفیف در مجازات بود.

با رعایت مواد ملحقه به قانون اصول محاکمات جزائی از حیث ارتکاب عمل اولی (بیست هزار لیره) بر طبق ماده قانون مجازات عمومی و ملاحظه ماده ۲ از مواد ملحقه مذکور و رعایت ماده ۴۵ قانون فوق‌الذکر، هیجده ماه حبس تأدیبی و از حیث ارتکاب عمل دومی (۹۶۰۰ لیره) نیز بنا به مواد مذکور هیجده ماه حبس تأدیبی محکوم است، و راجع به دعوای بانک ملی نظر به تحقق مراتب فوق‌الاشعار محکوم است. اولاً مبلغ چهل و شش هزار ریال به علاوه شش هزار لیره انگلیسی بابت موضوع بیست هزار لیره و یک هزار لیره انگلیسی دیگر بابت موضوع نه هزار و ششصد لیره در وجه بانک ملی پردازد و راجع به قسمت‌های دیگر که متضمن عنوان جزئی نبوده و یا محتاج به رسیدگی مفصل‌تری است، نمی‌تواند به محاکم صالحه مراجعه نمایند. به شرح حکم نمره ۸۸۰ و در ۲۲ ماده مزبور اعلام و دکتر لیندن‌بلات از جهت محکومیت خود در ۲۹ ماه مزبور و مدعی‌العموم استیناف طهران از جهت تبرئه دکتر مزبور نسبت به قسمتی از اتهام و تبرئه پنج نفر دیگر و مدعی خصوصی نسبت به چهار هزار لیره که به فاست داده شده و مورد ادعا بوده هر یک از آن حکم تقاضای رسیدگی تمیزی نموده و شعبه پنجم دیوان عالی تمیز رجوع شده است. هیئت شعبه مزبوره مرکب از آقایان مرقومین ذیل:

آقای میرزا عبدالحسین خان صدری رئیس

آقای میرزا عبدالرحیم خان رهنما مستشار

آقای میرزا محمد علیخان بامداد مستشار

در تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۱۳ برای رسیدگی تشکیل و پس از قرائت راپورت آقای صدری که در این مورد عضو ممیز بوده‌اند و کسب نظریه کتبی آقای تقوی مدعی‌العموم کل دیوان عالی تمیز که بر ابرام حکم ممیزعنه بوده مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهد: خلاصه اعتراضات وکیل دکتر لیندن‌بلات این است که عمل موکل او در دو مورد که از طرف محکمه جنایی محکوم شده، در ردیف معاملات عادی بوده و قانوناً جرم نیست که این اعتراض غیر وارد و عمل ارتکابی با کیفیاتی که محکمه جنایی تشخیص داده و ضرر بانک را مسلم دانسته، خیانت در امانت بوده و انطباق آن با ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی خالی از اشکال است و اعتراض مدعی‌العموم استیناف به اینکه چون فسخ کنترات مسیوفاست که به ضرر بانک تمام شده به آن دلیل و خارج از حدود اختیارات لیندن‌بلات صورت گرفته، مسلم می‌دارد که دکتر مزبور در این عمل سوءنیت داشته و تقصیر مشارالیه و شمول مورد با ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی محرز است که اعتراض مزبور در حقیقت ایراد به نظر محکمه حاکمه در عدم اثبات این اتهام است و از جهت توجه به ماهیت دعوی اصولاً قابل رسیدگی تمیزی نخواهد بود.

و هکذا اعتراض مدعی‌العموم مذکور به عالم بودن فوی بل بر وقوع دو فقره معامله در تواریخ مهر و آبان و قید معاملات بود. و هکذا اعتراض مدعی‌العموم مذکور به عالم بودن فوی بل بر وقوع دو فقره معامله طلا در تواریخ مهر و آبان و قید معاملات مزبوره به تاریخ مقدم که ایراد به نظر محکمه حاکمه در عدم اثبات

عالم بودن متهم به جریان امر به طوری که مورد ادعا بوده و عدم کفایت ادله برای تحقق این موضوع است که از این جهات مورد رسیدگی تمیزی واقع نمی‌شود، و اعتراضات وکیل مدعی‌العموم بر خلاصه اینکه:

۱- در نتیجه بیان سنه ۱۳۰۹ و نشان دادن منافع موهوم شرایط چهارگانه تحقق جرم موجود شده، زیرا هم صورت داری مزبور بوده و هم منافع موهوم. هم اینکه منافع موهوم یا سوءنیت لیندن بلات و سایر متهمین تقسیم شده است و عمل استینافی مشمول مقررات ماده ۹۲ قانون تجارت است و محکمه جنایی تقسیم نشدن منافع را بین صاحبان سهام مستند عدم انطباق مورد با ماده مزبور قرار داده و حال آنکه منافع تقسیم شده است و وارد نمودن اقلامی در شانزدهم خرداد ۱۳۱۰ به حساب ۲۹ اسفند ۱۳۰۹ جوی مادی معنوی محسوب، مباشرین و معاونین افعال مزبوره مستحق مجازات می‌باشند.

۲- با وجود ممنوع بودن دکتر لیندن بلات به موجب ماده ۱۰ اساس نامه و ماده ۴ قرارداد از معاملات برای خود مشارالیه تخلف از مقررات مزبوره نموده و اقدام به معامله طلا جهت استفاده خود که به ضرر بانک منتهی شده است و این اقدام، خیانت در امانت به شمار می‌رود، زیرا بنا به دلائل موجود در دوسیه عمل از قبیل اینکه معامله طلا را به اسم وزارت دربار نموده و با اینکه معامله در تاریخ ۱۵ مهر و ۱۶ آبان ۱۳۱۰ انجام گشته، از روی ورقه محاسباتی نوشته شده به حساب شه‌ریور گذاشته شده، محقق است معاملات مزبوره به ضرر بانک و به نفع معامله‌کننده انجام گرفته، در صورتی که مقرر این بوده طلای سپرده شده به دکتر به مصرف معینی برسد؛ یعنی فقط به نفع بانک با اشخاص خارج معامله شود، ولی لیندن بلات به ضرر بانک و به اسم دیگری این معامله را جهت استفاده شخص خود نموده است و عمل مشارالیه از این جهت مشمول ماده ۲۴۱ و از نظر معاونت در موضوع مذکور در دفاتر بانک به تاریخ مقدم مشمول مادتهای ۲۸ و ۱۰۳ قانون مجازات عمومی است و هیچ‌یک به نحوی که مؤثر در نقض حکم ممیزعنه باشد نیست، زیرا اولاً هرچند محقق است که مال‌التجاره موجود در خارج و متعلق به بانک در موقع تهیه بیان به نوع هر لیره خود نود ریال تقدیم شده و در آن موقع برحسب دعوای قیمت مال‌التجاره‌های مزبور رو به تنزل بوده است، ولی نظر به اینکه از طرف مدعی‌العموم اقامه دلیل نشده که افزایش سی ریال در هر لیره (تفاوت نرخ لیره در روز صدور دستور از طرف مدیر بانک یا زمان قبل آن) جبران خسارت باشد از تنزل مال‌التجاره را ننموده است و با لحاظ اینکه قیمت لیره مطابق نرخ معین از طرف کمیسیون تعیین نرخ اسعار خارجی در تاریخ تهیه بیان نود ریال بود و مادام که ثابت نشود و قیمت مال‌الاجاره مزبور در روز تنظیم بیان کم‌تر از میزانی بوده است که از طرف متهمین تعیین و در صورت داری بانک قید شده تقسیم منافع موهوم مصداق پیدا نمی‌کند و بنابراین عمل مزبور منطبق با ماده ۹۲ قانون تجارت نخواهد بود و چون یکی از ارکان اساسی احراز جعل قصد استفاده از طرف متهم و امکان اضرار به غیر در این مورد به لحاظ عدم اقامه دلیلی در نظر محکمه نیست، لذا از جهت مذکور نیز حکم محکمه جنایی بی‌اشکال نیست.

ثانیاً با فرض احراز تخلف دکتر لیندن بلات از مقررات اساس نامه و تعهدی که در قرارداد خود نموده و مبادرت مشارالیه به معاملاتی برای خود چون تحقق عنوان خیانت در امانت در این خصوص، فرع بر اثبات وقوع ضرر برای بانک است و از طرف مدعی‌العموم ادله حاکی از تشخیص ضرر بانک در معاملات مزبوره

اقامه و ابراز نشده است، لذا از این حیث نیز بالنتیجه ایراد مدعی العموم غیر وارد و همچنین اتهام او به معاونت در جعل که بالضروره از جهت مسلم نبودن وقوع ضرر برای مؤسسه بانک و فقد یکی از ارکان این جرم قابل توجه نخواهد بود.

نظر به مراتب مذکوره و اینکه اعتراض نمایندگان بانک ملی بر حکم محکمه جنایی از جهت تبرئه لیندن بلات در خصوص اتهام او به تفهیم کنترات فاست و اعطاء چهار هزار لییره به مشارالیه که در نتیجه این عمل مبلغ مزبور به بانک ملی ضرر رسیده، چون ادعاء وجودی سوءنیت برای متهم در این عمل در نظر محکمه حاکمه موحد و مدلل تشخیص نشده (چنان که در مورد اعتراض مدعی العموم استیناف شرح داده شد) این قبیل اعتراضات اصولاً قابل رسیدگی تمیزی نیست و اینکه اشکال مهم دیگری که مؤثر در نقض حکم ممیزعنه باشد به نظر نمی‌رسد، لذا حکم مزبور به اتفاق آرا بالاطراف مبرم است.^۱

محل امضاء: بالنتیجه موافقم. رهنما- صدری- بامداد»



۱. همان، زونکن ۲۱۴، پرونده ۱۴۵/۳.